نفت، تحقیق و انصاف

سعیدی، خسرو

گزارش جناب آقای مجید مهران در صفحات 90 و 91 مجله‏ی‏ گرامی حافظ(شماره‏ی 22)حکایت از آن دارد که مطالعه‏ی پرونده‏ی‏ قطور نهضت عظیم ملی کردن نفت ایران هنوز هم خاتمه نیافته است. البته حق هم همین است که در مورد جنبش‏ها و وقایع استثنایی و نقش شخصیت‏های بزرگ،بررسی‏های لازم برای قضاوت صحیح، ادامه یابد.لذا نگارنده نیز بی‏مورد نمی‏دانم در مورد مطالب مطروحه در همایش مورّخ 20/9/84 موضوع گزارش آقای مهران چند نکته‏ی زیر را رائه نماییم.

خوانندگان گرامی قطعا به یاد دارند که در برنامه‏ی دولت شادروان‏ دکتر محمد مصدق تنها اجرای قانون نه ماده‏یی ملی کردن نفت در سراسر کشور بود و اصلاح قانون انتخابات.در مرحله عمل به مفاد قانون ملی کردن هم رسیدن به استقلال سیاسی و رهایی از چنگال و سلطه‏ی سیاست خارجی،هدفی فوق‏العاده و قبل از افزایش میزان‏ سهام و عایدات مورد توجه و دارای اهمیت و اولویت بود؛این هدف، یعنی تامین استقلال سیاسی در سخنرانی‏ها و مصاحبه‏های دکتر مصدق و یاران صدیق و هم دل او با صراحت و به تکرار بیان می‏شد، گرچه مخالفان نهضت در سال‏های بعد از مرداد 1332 و بالاخص‏ محققین امروزی آن نیت و هدف را خیال‏پردازانه و مطلق‏خواهی‏ غیرعملی عنوان کرده‏اند.این اظهارنظرها چیزی از حقیقت موضوع و خواسته‏های نهایی دولت ملی و هواخواهان آن کم نمی‏کند،زیرا که آن‏ها از یک‏ التهاب وجدان عمومی و مسوولیت تاریخی الهام‏ می‏گرفتند و می‏گفتند در میان فریادهای جهانگیر آزادیخواهی و استقلال‏طلبی تنها تکیه بر افزایش‏ درصدی از عایدات و سهام نفت و تنظیم قرارداد جدید بر این مبنا،به این همه سر و صدا و جانبازی و تلاش‏ در مجامع جهانی نیاز ندارد و خلاصه آن که باید اصل‏ دعوی و هدف بزرگ را در تحقق و شناسایی واقعی‏ قانون ملی شدن نفت ایران قرار دهیم.

در طول 28 ماه خدمت دولت ملی هیات‏های‏ متعدددی به ایران آمدند و پیشنهادهای کم و بیش‏ مشابهی ارائه نمودند که هیچ‏یک منافع ما را به عنوان‏ صاحبان ثروت سرشار نفت تامین نمی‏کرد و در مقابل به نحوی حفظ منافع قبل از ملی شدن برای‏ شرکت و فراهم ساختن جای پا برای سود بردن کافی«کما فی السابق» در طرح‏های آن‏ها هویدا بود،البته این رفتار هیات‏ها با ملاحظه‏ی‏ سال‏ها سلطه‏گری دولت انگلستان در امور ایران و کسب منافع کلان‏ نفت اعجاب آور نبود،چرا که زورمندان جهان هیچ‏گاه از منابع عظیم‏ مادی خود که در کشورهای ضعیف داشته‏اند و دارند،به آسانی صرف‏ نظر نکرده‏اند و نمی‏کنند.

در برابر این سعی به استثمارگری و تمایل به ادامه آن‏ به صورت‏های دیگر،رعایت قانون ملی کردن که با زحمات بسیار و با استفاده از تضادهای سیاست جهانی به دست آمده بود از سوی‏ دولت ملی الزامی و غیرقابل عقب‏نشینی به نظر می‏رسید.دولت و مبارزان هواخواه اندیشیدند که در صورت پایداری کافی،کسب‏ امتیازات بیش‏تر هنوز میسر است و در صورت به روزگار قراردادهای تحمیلی و تسلیم در برابر زورگویی نتیجه نتیجه‏ی کار از دید جامعه‏ی ایرانی و جهانی به هیاهوی بسیار برای هیچ تعبیر خواهد شد!

بالاخره نبوت به پیشنهاد بانک جهانی رسید که تفاوت‏هایی با پیشنهادهای قبلی هیات‏ها در آن دیده می‏شد.ظاهرا رسیدن به توافق‏ و فرونشستن بحران اختلافات خیلی خیلی نزدیک می‏نمود.مذاکرات‏ به خوبی و در فضای حسن نیت تا مرحله‏ی تفاهیم نهایی پیش می‏رفت که هیات ایرانی متوجه شدند که هیات بانک جهانی از این نکته‏ که در قرارداد ذکر شود،بانک در مورد تعیین غرامات و... On behalf the Oersian Goverment به عنوان نماینده‏ی دولت‏ ایران عمل خواهد کرد،عصبانی و ناراضی هستند و مایل به‏ امضای قرارداد نیستند.زیرا در حالی که ایران و انگلیس هر دو سهامدار بانک جهانی بودند،تنها دولت ایران چنین درخواستی داشت. در نتیجه مذاکرات بدون رسیدن به توافق نهایی پایان می‏پذیرد.

به‏طوری که کتاب‏های محققان و اسناد منتشر شده طی نیم قرن‏ گذشته نشان می‏دهد،دولت انگلستان با همراه کردن دولت امریکا با خود به موازات اعزام هیات‏هایی جهت مذاکره،طرح‏های مربوط به‏ ساقط کردن دولت دکتر مصدق را هم تکمیل و آماده می‏کردند و در واقع به زعم آن‏ها سقوط مصدق به وسیله‏ی زور و ضربه بر توافق با او در سر میز مذاکره و بده و بستان منطقی ارجحیت داشت و در این‏ «تصوّر»بدون تردید گزارشات مربوط به رشد و نفوذ کمونیست‏ها در ایران و خطرات حزب توده،بهانه‏یی مناسب و موثر بود.به‏هرحال‏ مذاکرات هیات بانک جهانی هم که در نظر پاره‏یی منتقدان به صورت‏ فرصتی طلایی جلوه کرده است،توفیق لازم را پیدا نکردند و می‏گویند:استفاده نکردن از آن فرصت اشتباهی از جانب دولت‏ شادروان دکتر مصدق بوده است و تقصیر اصلی هم با زنده یاد مهندس‏ کاظم حسیبی می‏باشد که مشاور امین و مورد اعتماد ویژه‏ی‏ نخست‏وزیر بود،یعنی اظهارنظر مخالف مهندس و استدلال بر خطرناک بودن اقدام مستقل بانک جهانی دکتر مصدق را ناچار از عدم‏ قبول و امضای قرارداد نمود!...

افرادی از حضوریافتگان در همایش بیستم آذر ماه هشتاد و چهار، یاران و مشاوران دکتر مصدق را مردمانی«عامی»نامیده‏اند که لابد سواد و اطلاعات لازم در اوضاع سیاسی زمان خود و متناسب با مسوولیت‏هایشان را نداشته‏اند.این قبیل اظهارنظرها امید برداشت‏ نتیجه‏ی مطلوب و بررسی منصفانه از همایش مذکور و نشست‏های‏ مشابه را-که مورد نیاز روز،برای آگاه کردن جوان‏ها می‏باشد-به کلی‏ منتفی یا بسیار ضعیف می‏کند.از بزرگان و نامداران تاریخ بسیار بوده‏اند که از دیدگاه رقیبان و منتقدان عیب و نقص‏هایی داشته‏اند و نویسندگان ضمن شرح خدمات چشمگیر به آن نقطه ضعف‏ها هم‏ اشاره کرده‏اند،اما اتهامات ناسزاگونه‏یی از قبیل«عامی»بودن مشاوران‏ مصدق و تلویحا خود او-که نهضت کم‏نظیر جهانی را به وجود آوردند -یا«مصدق قصد اعدام سرتیپ افشار طوس را داشت!»یا او«خودش‏ وسایل کودتای 28 مرداد را فراهم کرد!»یا مضحک‏تر از همه«مصدق‏ مجری سیاست خارجی(انگلستان)بود».در مجلسی یا سمیناری که‏ شان دادگاه مانندی باید داشته باشد،علاوه بر این‏که به روشن کردن‏ قضایا کمک نمی‏کند،دل و جان هر خواننده‏ی منصف را هم به درد می‏آورد!این جانب یقین دارم چنان‏چه نظرات بانک جهانی بلافاصله از طرف دولت مصدق پذیرفته و قرارداد امضا می‏شد،ناقدان حرفه‏یی‏ آن را تسلیم و سازش خیانتکاران دانسته و مصدق و یاران او را نقض‏کننده‏ی قانون ملی کردن نفت معرفی می‏کردند...اما برگردیم به‏ نسبت صفت«عامی»که مشاوران و همکاران مصدق-بنا بر ادعای‏ افرادی حاضر در همایش-داشته‏اند و تنها در مورد زنده‏نام مهندس‏ کاظم حسیبی چند جمله‏یی یادآوری می‏کنیم.

مهندس حسیبی،به قول استاد بزرگوار مهندس علیقلی بیانی، «فزرند ارشد و شایسته‏ی ایران»بود.حسیبی،عصاره‏ی اخلاص و تلاش در راه ایمان و عقیده و نمونه‏ی درستی و صراحت بیان در آن‏ تاریخ یکی از چند نفر فارغ‏التحصیلان پلی‏تکنیک فرانسه بود که‏ دوره‏ی تحصیلات خود را هم با رتبه‏ی شاگرد اولی طی کرده بود،اهل‏ فضل خوب می‏داند که شصت،هفتاد سال پیش قبول شدن در پلی‏تکنیک فرانسه و پایان تحصیلات با درجه‏ی ممتاز کار هر کس به خصوص آدمی«عامی»نبود و چنین آدمی قاعدتا نمی‏توانست‏ به فاصله‏یی کوتاه از کارشناسان صاحب نام در رشته‏ی نفت و معادن‏ شناخته شود،آن مرحوم در احساس مسوولیت برای انجام وظیفه و حفظ منافع ایران و کوشش تا آخرین نفس،نظیر نداشت و برای به ثمر رساندن کارهای اجتماعی و اصلاحات بی‏تاب بود.

مهندس حسیبی کسی‏ست که در فضای بی‏خبری سال 1327 (پیش از فعالیت‏های جدی نهضت ملی)براساس ماموریت محوله از جانب کمیته‏ی مرکزی حزب ایران وظیفه‏ی سنگین پیدا کردن سوابق‏ و مدارک مورد لزوم پیرامون مطالعه‏ی قرارداد پر شرّ و شور نفت، میزان اجحافات شرکت نفت و ایران و انگلیس،حساب‏سازی‏ها و تقلیات‏ آن را با سرافرازی انجام داد و حدود خسارات عظیم صاحب اصلی آن‏ طلای سیاه را محاسبه کرد.

این شخصیت ایران‏دوست و شجاع در راه انجام وظایفی که‏ پذیرفته بود،به راستی از جان خود مایه گذاشت و با دست‏های خالی از مدرک و اسناد دادگاه‏پسند،پیگیری هدف را رها نکرد،او را کرّات‏ تهدید به مرگ نموند.(نقل به اختصار از یادداشت‏های منتشر نشده،صفحه‏ی‏ 192 زندگی‏نامه‏ی اللهیار صالح)هنگام ایراد سخنرانی‏های مفصل مرحوم‏ حسین مکی در مجلس شورای ملی،در مخالفت با قرارداد نفت و طرح‏ گس-گلشاییان هم قسمت اعظم مطالب و اطلاعات فنی از جانب آن‏ انسان فداکار و حاصل ماه‏ها تلاش و جست‏وجوی او بود.

مهندس حسیبی عزیز ما مظفر جوانمردی،صبر و نظم بود.در دوران زندان‏ها و انجام کارهای اجتماعی و تظاهرات سیاسی با عشق‏ و نیروی برتر از نیروی جوان‏ها و بدون تفاخر و توجه به موقعیت بسیار محترم خود،مشارکت و اقدام می‏نمود و برای انجام کار کمر همت‏ بر می‏بست.او به جوانان می‏فرمودند:راه رسیدن به مقصود دراز است. شما،مانند جرقه‏یی که از روی آتش می‏پرد و لحظه‏یی بعد خاموش‏ می‏شود،نباشید.فعالیت‏های سیاسی و اجتماعی را براساس حب و بغض‏های خصوصی نسبت به مسوولان پی‏ریزی و مبتنی نکنید، هدف ما خیلی بزرگ‏تر و والا هستند...

فعالیت‏های بیش‏تر شادروان حسیبی در کانون مهندسین(بعد از شهریور 1320)و تلاش‏هایی که به تاسیس حزب ایران منجر گردید، قطعا در این نوشته نمی‏گنجد،اما اینک که می‏خواهیم در همایشی از اهل فضل،افرادی(چند نفر؟در چه سن و سال؟و با چه میزان از اطلاعات؟)امثال مهندس حسیبی در کنار دولت دکتر مصدق را مردمان«عامی»نامیده‏اند،جز این نتیجه نمی‏گیریم که بعد از قریب‏ پنجاه و پنج سال،لابد وزرا و مشاوران بعدی شاغل در پست‏های‏ دولت چنان با کارهای خود درخشیده و وظایف مربوط را به نحو عالی به انجام رسانده‏اند که در برابرشان شخصیت‏هایی مانند شادروان‏ حسیبی افرادی«عامی»به حساب می‏آیند،البته این«تحقیق»و این‏ اندازه«انصاف»قابل توجه و یادگیری‏ست!